

بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان

مصطفی ازکیا

استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

غلامرضا غفاری

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

چکیده

در این مقاله چگونگی پیوند بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی بررسی و تحلیل شده است. هدف این بررسی بیان خاستگاه فکری و نظری این دو مفهوم به منزله مفاهیم کلیدی و نرم ادبیات علوم اجتماعی از حیث نظری و نیز چگونگی سنجش عملی آنها و در نهایت آزمون تجربی ارتباط بین آن دو در حوزه مورد مطالعه است. در آغاز با بیان سرچشمه‌های فکری این دو مفهوم جایگاه آنها در اندیشه برخی از نظریه پردازان علوم اجتماعی مشخص شده است. سپس ابعاد نظری اعتماد و مشارکت اجتماعی در ادبیات جامعه‌شناسی کاوش شده است که اغلب گواهی به وجود نوعی رابطه متعامل بین این دو مفهوم است. باینان مؤلفه‌های مربوط به اعتماد در دوسطح اعتماد بین افراد و اعتماد به نهادها و سازمان‌ها و نیز تعیین اجزای مربوط به مشارکت اجتماعی تعریف عملی و آزمون تجربی آنها امکان‌پذیر و در نهایت با جمع‌آوری داده‌های لازم از حوزه مورد مطالعه ارتباط بین آن دو اندازه‌گیری شده است. استنباط آماری از داده‌ها نشان دهنده وجود نوعی همبستگی معنادار، در سطح اطمینان ۹۹ درصد، بین دو متغیر اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی است.

واژگان کلیدی: اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، اعتماد
تعمیم یافته، اجتماع اخلاقی

مقدمه

مفاهیم اعتماد اجتماعی^۱ و مشارکت اجتماعی^۲ از مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی هستند. هر دو مفهوم از آغاز طرح مباحث جامعه‌شناختی، اندیشه بسیاری از کلاسیک‌های جامعه‌شناسی را به خود معطوف داشته‌اند. «به نظر آیزنشتاد^۳ مهمترین مسأله نظم اجتماعی برای دورکیم و تاحدودی تونیس، اعتماد و همبستگی اجتماعی است، یعنی اینکه بدون انسجام و نوعی اعتماد، پایداری نظم اجتماعی ممکن نیست» (چلبی ۱۳۷۵، ص ۱۲). زتومکا^۴ که در میان جامعه‌شناسان معاصر مبحث اعتماد اجتماعی را مورد عنایت ویژه قرار داده، معتقد است توجه به اعتماد اجتماعی ایده جدیدی نیست بلکه یک جریان فکری چندین‌قرنی است. به نظر او «برخورداری جامعه جدید از ویژگیهای منحصر به فردی چون آینده‌گرایی، شدت وابستگی متقابل، گستردگی و تنوع جوامع، تزیاید نقش‌ها و تمایز اجتماعی، بسط نظام انتخاب، پیچیدگی نهادها و افزایش ابهام، ناشناختگی و تقویت گمنامی، و غریبه بودن نسبت به محیط اجتماعی، توجه به اعتماد اجتماعی و نقش آن در حیات اجتماعی را واقعیتی جدی نموده است. علاوه بر این به نظر زتومکا در حوزه علوم اجتماعی شاهد رشد نوعی جهت‌گیری فرهنگ‌گرایانه^۵ هستیم که در خود نوعی چرخش از مفاهیم سخت^۶ به مفاهیم نرم^۷ را دارد. چنین چرخشی زمینه توجه عمیق‌تر به مفاهیم اعتماد را به دنبال داشته است. به نظر او در طی دوده گذشته شاهد موج جدیدی از مباحث مربوط به اعتماد در مفاهیم علوم اجتماعی به ویژه جامعه‌شناسی هستیم.

لومان^۸، باربر^۹، آیزنشتاد، کلمن^{۱۰}، هاردین^{۱۱}، گیدنز^{۱۲}، فوکویوما^{۱۳} و سلیگمن^{۱۴} از اندیشمندانی هستند که در دوده اخیر توجه ویژه‌ای به مبحث اعتماد اجتماعی داشته‌اند. (زتومکا ۱۹۹۹، صص ۱۲-۵).

- | | |
|------------------------------|-------------------------|
| 1. Social Trust | 2. Social Participation |
| 3. Eisenstadt | 4. Sztompka |
| 5. Culturalistic Orientation | 6. Hard |
| 7. Soft | 8. Luhman |
| 9. Barber | 10. Coleman |
| 11. Hardin | 12. Giddens |
| 13. Fukuyama | 14. Seligman |

مطالعه مشارکت اجتماعی نیز دارای سابقه دیرینه‌ای است. به نظر پارکر^۱ « در آغاز مشارکت اجتماعی به مثابه بعدی از منزلت اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این مشارکت به عنوان ابزاری برای خودشکوفایی (وارینر^۲ و پراسر^۳ ۱۹۶۵)، حامی تکثرگرایی در جوامع توده‌ای (نیزیت^۴ ۱۹۵۷، کورنوزر^۵ ۱۹۵۹)، کاتالیزوری برای وحدت اجتماع محلی (هاری^۶ ۱۹۷۰)، جایگزینی برای پیوندهای تضعیف شده خانواده و کلیسا (ویرت^۷ ۱۹۳۸ ریزمن ۱۹۵۴) عامل جامعه پذیری سیاسی و نظام‌های دینی غالب (وارینر و پراسر ۱۹۶۵، اولسون ۱۹۷۲) دیده شده است» (پارکر ۱۹۸۳، ص ۸۶۴).

به نظر میدگلی «مشارکت اجتماعی نیز ایده‌ای کاملاً ایدئولوژیکی است که بازتاب اعتقادات ناشی از نظریه‌های اجتماعی و سیاسی در خصوص اینکه جوامع چگونه باید سازماندهی شوند، می‌باشد. منطبق آن مبتنی بر واکنش در برابر تمرکزگرایی، دیوانسالاری، انعطاف ناپذیری و دردسترس نبودن دولت است. و با این اعتقاد مورد حمایت واقع شده که قدرت دولت به گونه‌ای بسط و گسترده‌گی فزاینده‌ای پیدا کرده که با کنترل بر امور جوامع حقوق و آزادیهای مردم عادی را تقلیل داده است» (میدگلی ۱۹۸۳، ص ۶۴). به نظر اولسن^۸ «نظریه مشارکت اجتماعی حاصل ایده گسترده کثرت گرایی اجتماعی^۹ است که نظریه پردازانی چون تسوکویل^{۱۰} (۱۹۶۱)، ترومن^{۱۱} (۱۹۵۱) دال^{۱۲} (۱۹۵۶)، لیپست^{۱۳} و دیگران (۱۹۵۶)، کورنوزر^{۱۴} و نیزیت^{۱۵} (۱۹۶۲) توسعه داده اند. به نظر او نظریه مشارکت در قالب دو مفهوم بسیج^{۱۶} و واسطه بودن^{۱۷} به منزله پیش شرط و زمینه مشارکت سیاسی مورد بحث قرار گرفته است» (اولسن، ۱۹۷۲، ص ۳۱۸). کرفت^{۱۸} و بیراسفورد^{۱۹} تحولاتی چون ظهور جنبش‌های اجتماعی جدید، تأمل و بازنگری در مورد نیاز انسان، ظهور مجدد ایده شهروندی و فرانواگرایی^{۲۰} را موجب توجه به ایده مشارکت دانسته‌اند (اولسن و بیراسفورد ۱۹۹۲، ص ۲۲). ولی آنچه به

- | | |
|---------------------|-------------------|
| 1. Parker | 2. Warriner |
| 3. Prather | 4. Nisbet |
| 5. Kornhanser | 6. Harry |
| 7. Wirth | 8. Olsen |
| 9. Social Pluralism | 10. Toqueville |
| 11. Truman | 12. Dahl |
| 13. Lipset | 14. Kornhauser |
| 15. Nisbet | 16. Mobilization |
| 17. Mediation | 18. Croft |
| 19. Beresford | 20- Postmodernism |

صورت عام مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته اندیشه‌های مربوط به دموکراسی است که مهمترین تأثیر را، به لحاظ فکری، در گسترش نظریه مشارکت اجتماعی داشته اند. میدگلی که معتقد به الهام بخشی و تأثیر اندیشه‌های مربوط به دموکراسی، که از حق شهروندی در تصمیم‌گیری بحث می‌نمایند، بر نظریه مشارکت است، بر این عقیده است که «الهام نظریه مشارکت اجتماعی از مباحث مربوط به دموکراسی مبتنی بر ایده‌های کلاسیک دموکراسی نمایندگی^۱ (شومپتر ۱۹۴۲؛ دال ۱۹۵۶؛ لوکاس ۱۹۷۶؛ پی نوک ۱۹۷۳) نبوده بلکه مبتنی بر تحول جدید در نظریه دموکراسی یعنی نظریه لیبرال دموکراسی است که به عنوان دموکراسی محله‌ای^۲ شناخته می‌شود. در حقیقت بسیاری از طرفداری و مفسران مشارکت اجتماع محلی نسبت به دموکراسی نمایندگی و امکان آن برای فراهم کردن فرصت‌های واقعی برای دخالت توده‌ها در امور سیاسی کشورهای در حال توسعه شک دارند. در نتیجه با الهام از نظریه دموکراسی محله از ایجاد نهادهایی در مقیاس کوچک برای تحقق آرمانهای سیاسی در روستاها و محله‌های شهری جهان سوم طرفداری نموده‌اند» (میدگلی ۱۹۸۶، ص ۱۵). علاوه براین به لحاظ فکری، اندیشه‌های مردم‌گرا که از در حاشیه قرار گرفتن مردم عادی بحث می‌کنند و نیز نظریه‌های مربوط به آنارشیزم که متضمن دیدگاههای ضد دولت‌گرایی می‌باشند و مهمتر از این به تعبیر چمبرز^۳ «تحول پارادایم‌های توسعه» که از آن به مثابه انتقال از پارادایم اشیا به پارادایم مردم یاد می‌کند، در بسط نظریه مشارکت اجتماعی نقش بسزایی داشته‌اند. به نظر چمبرز در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ پارادایم اشیا بر مباحث توسعه حاکم بود که برای ایجاد زیر ساخت‌های بزرگ، صنعتی شدن امور آبیاری تأکید می‌کرد و اقتصاددانان و مهندسان با پارادایم ریاضی و طبیعی از بالا به پایین قواعد، رویه‌ها و شیوه‌ها را تعیین می‌کردند. با ورود تعدادی از دانشمندان اجتماعی و نیز کمک برخی از آژانس‌های بین‌المللی، گسترش روشهای مشارکتی، دخالت مردم شناسان اجتماعی و سازمانهای غیردولتی شاهد انتقال از پارادایم اشیا به پارادایم مردم هستیم که محور توسعه را مردم و به خصوص فقرا قرار می‌دهند. البته در سطح نظری تحول به خوبی صورت گرفته است ولی در عمل همچنان واقعیت از بالا به پایین جریان و حاکمیت دارد» (چمبرز ۱۹۹۷، ص ۳۲۳). علاوه بر زمینه‌های فکری مطرح شده در بالا و تأثیر آنها بر غنای نظریه مشارکت، برخی از فعالیتهای عملی نیز در تقویت و بسط این نظریه مؤثر بوده‌اند.

«مددکاری اجتماعی^۱ و رادیکالیسم محلی^۲ در الهام بخشی به نظریه مشارکت بی تأثیر نبوده‌اند اگر چه مددکاری اجتماعی مربوط به مسایل افراد نیازمند و خانواده‌هایشان می‌شود لیکن تأکید عمده‌اش بر سازماندهی و بسیج مردم برای بهبود تسهیلات محلی^۳ و خدمات اجتماعی است. رادیکالیسم محلی چون فعالیت‌های آلینسکی^۴ در دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ در شیکاگو که مردم محلی را به یاری سازمانهای محلی موجود بسیج می‌کرد و به آنها استفاده از شیوه‌های مختلف مواجهه با سازمانهای دولتی و منافع تجاری مربوط به آنها را آموزش می‌داد، نیز مؤثر بر نظریه مشارکت اجتماعی بوده‌اند» (میدگلی، همان، صص ۲۱-۱۹).

علاوه بر میراث فکری و عملی فوق تلاش سازمانهای بین‌المللی، از جمله سازمان ملل و به خصوص انتشار آثاری چون، مشارکت همگانی در توسعه^۵ در سال ۱۹۷۱، که مروری بر ظهور ایده مشارکت با عطف به برنامه عمران محلی در جهان سوم بود و کتاب مشارکت همگانی در تصمیم‌گیری برای توسعه^۶ در ۱۹۷۵، که از چگونگی اجرای مشارکت بحث می‌نماید و نیز تلاش علمی «مؤسسه پژوهش برای توسعه اجتماعی وابسته به سازمان ملل» و نشست‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی و تلاشهای یونیسف، یونسکو و سازمانهای غیردولتی در سطوح بین‌المللی و ملی در تطوّر و بسط اندیشه‌های مربوط به مشارکت نقش داشته‌اند.

ابعاد نظری و عملی

اعتماد اجتماعی

اعتماد در متن کنش‌های انسان نمود پیدا می‌کند، به خصوص در آن دسته از کنش‌ها که جهت‌گیری معطوف به آینده دارند و آن نوعی رابطه کیفی است که به تعبیر کلمن «قدرت عمل کردن را تسهیل می‌کند» (کلمن ۱۳۷۷، ص ۲۹۷). اعتماد تسهیل‌کننده مبادلات در فضای اجتماعی است که هزینه مذاکرات و مبادلات اجتماعی را به حداقل می‌رساند و برای حل مسایل مربوط به نظم اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و عنصر پیش‌قراردادی و مقوم حیات اجتماعی است. به تعبیری «مفاهیم مربوط به اعتماد به طور بالقوه روابط اجتماعی را توصیف می‌نمایند

1. Social Work

2. Community Radicalism

3. Local Amenities

4. Alinsky

5. Popular Participation in Development

6. Popular Participation in Decision_making for Development

که دربردارنده تمایزات افقی بین حوزه‌های مربوط به فضای عمومی و شخصی است. برای مثال فوکویاما (۱۹۹۵) از اعتماد به مثابه شاخصی برای بیان سرمایه اجتماعی^۱ در معنای ارزشهای جمعی شبکه‌های اجتماعی و اخلاق فرهنگی، که بنیاد رشد و ثبات اقتصادی را تشکیل می‌دهند، استفاده می‌نماید. سلیگمن (۱۹۹۷) «برداشت دوگانه‌ای را از اعتماد توسعه داده است که اشاره به زمینه‌های مختلف برای رابطه بین افراد در حوزه شخصی و اشکال نهادی شده اعتماد در فضای عمومی دارد. به نظر سلیگمن اعتماد مسأله‌ای است که در فرایند انتقال از روابط شخصی و غیررسمی بین افراد به اشکال نهادی و عمومی شده در فضایی که به وسیله قرارداد، قانون و مبادله متقابل انباشته شده محصور گردیده است. فوکویاما به یک برداشت تعمیم یافته از اعتماد توجه دارد که آن را برحسب انتظار حاصل شده در درون یک اجتماع هنجارمند، که مبتنی بر رفتار تعاونی و هنجارهای مشترک است، تعریف می‌نماید. اوسلانر^۲ در ۱۹۹۷ نیز اعتماد تعمیم یافته^۳ را با ایده سرمایه اجتماعی، که با ارزشهای مشترک، منافع شخصی و شکل دهی به پایه‌های کنش جمعی پیوند دارد، تعریف می‌نماید. نتیجه اینکه اولاً روابط اعتماد از طریق اراده‌گرایی^۴ مشخص می‌گردد و ثانیاً اعتماد با ارزشهای مشترک پیوند دارد. ثالثاً اعتماد به طور بالقوه با روابط مبتنی بر قرارداد و اجبار صرف ناسازگار است» (تونکیس^۵ و پازی^۶ ۱۹۹۹، ص ۲۵۸)

ز تو مکان نیز با طرح این موضوع که دیدگاه فرهنگ‌گرا جامعه بالقوه و پویا را به اتحاد و جمع منافع تقلیل نمی‌دهد بلکه آن را به منزله یک اجتماع اخلاقی مورد توجه قرار می‌دهد می‌گوید، «اجتماع اخلاقی کمتر با سازمان رسمی سروکار دارد بلکه با احساس تعلق، اعتماد و مسئولیت و احساس و وظیفه نسبت به دیگرانی که با آنها ارزشها، منافع و هدفهای مشترک دارند سروکار دارد. اجتماع اخلاقی شیوه خاص ارتباط داشتن با دیگران است که آن را به صورت «ما» تعریف کرده‌اند. مقوله «ما» با سه الزام اخلاقی اعتماد، وفاداری و اشتراک مساعی با دیگران تعریف می‌شود. مطابق با این تفسیر در اجتماع اخلاقی سه مؤلفه اصلی وجود دارد که اولین آن اعتماد، یعنی انتظار عمل صادقانه از دیگران نسبت به خودمان، داشتن است. دومین آن وفاداری یعنی التزام به عدم نقض اعتماد نسبت به کسانی است که به ما اعتماد کرده‌اند و برای انجام وظایف، به واسطه اعتماد شخصی ایشان، پیشقدم شده‌اند. سومین مؤلفه آن تجانس یعنی توجه به منافع

1. Social Capital

2. Uslaner

3. Generalized

4. Voluntarism

5. Tonkiss

6. Passey

دیگران و آمادگی انجام وظیفه نمودن از طرف دیگران است، حتی اگر انجام آن وظیفه با منافع شخصی مان در تعارض باشد» (زتومکا، همان، ص ۵).

«به نظر آلموند^۱ و وربا^۲ اعتماد به یکدیگر شرط تشکیل روابط ثانوی است (اینگلههارت ۱۳۷۳، ص ۲۴). زتومکا نیز اعتماد را نوعی شرط بندی نسبت به کنش‌های متحمل دیگران در آینده می‌داند» (زتومکا، همان، ص ۶۷).

اعتماد اجتماعی^۳ دلالت بر انتظارات^۴ و تعهدهای^۵ اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمانها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی شان دارند، تعریف شده است. و قرین با رابطه متقابل تعمیم یافته^۶ می‌باشد.

با توجه به فضای مفهومی مطرح شده و استفاده از مدل پاکستون^۷ (پاکستون ۱۹۹۹، ص ۱۰۵) که با پیروی از پوتنام^۸، بریهم^۹ و راهن^{۱۰} اعتماد را به منزله یکی از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرد، اعتماد در قالب دو مقوله؛ اعتماد به افراد و اعتماد نهادها و سازمانها با معرف‌های مربوط به هر مقوله تعریف شده‌اند.

برای مقوله اعتماد به افراد با توجه به ابعاد مطرح شده از مقیاسی با ۹ گویه در قالب طیف برش قطبین استفاده شده است که مجموع نمره‌های این طیف ۱۸ می‌باشد که نشان دهنده نمره‌های افراد در دامنه تغییرات صفر تا ۱۸ است. گویه‌های این طیف در جدول زیر آورده شده است.

- | | |
|-----------------|----------------------------|
| 1. Almond | 2. Verba |
| 3. Social Trust | 4. Expectations |
| 5. Commitments | 6. Generalized Reciprocity |
| 7. Paxton | 8. Putnam |
| 9. Brehm | 10. Rahn |

جدول طیف سنجش اعتماد اجتماعی در بین روستاییان

گویه‌ها	زیاد ۲+	تا حدودی ۱	اصلاً ۰ ۲	گویه‌ها
نسبت به یکدیگر اعتماد دارند				نسبت به یکدیگر اعتماد ندارند
روی قول و قرارشان نیستند				روی قول و قرارشان هستند
به نظر یکدیگر اهمیت می‌دهند				به نظر یکدیگر اهمیت نمی‌دهند
ظاهر و باطنشان یکی نیست				ظاهر و باطنشان یکی هست
نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت می‌کنند				نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت نمی‌کنند
رک و پوست کنده حرف می‌زنند				رک و پوست کنده حرف نمی‌زنند
وسایل کار را به یکدیگر امانت می‌دهند				وسایل کار را به یکدیگر امانت نمی‌دهند
به نظر یکدیگر اهمیت می‌دهند				به نظر یکدیگر اهمیت نمی‌دهند
به یکدیگر پول قرض می‌دهند				به یکدیگر پول قرض نمی‌دهند

و برای مقوله دوم که آن را تحت عنوان رضایت از دولت مطرح نموده‌ایم، دلالت بر میزان مقبولیت^۱، کارایی^۲ و اعتمادی است که مردم روستا به دولت دارند. به لحاظ عملیاتی میزان رضایت از دولت بر حسب ارزیابی که مردم از مأموران دولتی که در قالب ادارات، ارگانها و نهادهای مختلف با مردم روستایی ارتباط دارند، مورد سنجش قرار گرفته است. زیرا به تعبیر دوگان^۳ انعکاس فقدان اعتماد به نهادها در اغلب موارد نتیجه بی اعتمادی به افرادی است که عهده‌دار امور آن نهادهایند (دوگان ۱۳۷۴، ص ۱۰). در اینجا نظر و ارزیابی روستاییان به طور عام و کلی نسبت به کلیت عملکرد رفتاری مأموران دولتی مورد نظر است، نه به صورت مجزا و منفک برای ارگانی خاص، که این ارزیابی از طریق مقیاس برش قطبین زیر که حاوی ۱۰ گویه می‌باشد مورد سنجش قرار گرفته است.^۴

1. Acceptability

2. Efficiency

3. Dogan

طیف سنجش رضایت روستاییان از دولت (ارزیابی مأموران دولتی)

گروه‌ها	زیاد ۲+	تا حدودی ۱	اصلاً ۰ ۲	گروه‌ها
با آدم با گرمی و خوش رویی برخورد نمی‌کنند				با آدم با گرمی و خوش رویی برخورد نمی‌کنند
آدمهای کلک و دروغ‌گویی هستند				آدمهای کلک و دروغ‌گویی هستند
زودکار آدم را راه می‌اندازند				زودکار آدم را راه می‌اندازند
آدمهای تنبیل و راحت‌طلبی هستند				آدمهای تنبیل و راحت‌طلبی هستند
به حرفشان عمل می‌کنند				به حرفشان عمل می‌کنند
بیشتر به پولدارها می‌رسند				بیشتر به پولدارها می‌رسند
بیشتر به حرف مردم و اهالی روستا گوش می‌دهند				بیشتر به حرف مردم و اهالی روستا گوش می‌دهند
در کارشان پارتی بازی هست				در کارشان پارتی بازی هست
مردم قبولشان دارند				مردم قبولشان دارند
به کارشان واردند				به کارشان واردند
با آدم با گرمی و خوش رویی برخورد نمی‌کنند				با آدم با گرمی و خوش رویی برخورد نمی‌کنند
آدمهای کلک و دروغ‌گویی هستند				آدمهای کلک و دروغ‌گویی هستند
زودکار آدم را راه می‌اندازند				زودکار آدم را راه می‌اندازند
آدمهای زحمتکشی هستند				آدمهای زحمتکشی هستند
روی قول و قرارشان نیستند				روی قول و قرارشان نیستند
بیشتر به فقرا می‌رسند				بیشتر به فقرا می‌رسند
اصلاً به حرفهای مردم روستا گوش نمی‌دهند				اصلاً به حرفهای مردم روستا گوش نمی‌دهند
در کارشان پارتی بازی نیست				در کارشان پارتی بازی نیست
مردم قبولشان ندارند				مردم قبولشان ندارند
به کارشان وارد نیستند				به کارشان وارد نیستند

مشارکت اجتماعی

مشارکت^۱ از نظر لغوی بر وزن مفاعله به معنای شرکت دو جانبه و متقابل افراد برای انجام امری می‌باشد. از منظر جامعه‌شناختی مشارکت نوعی فرایند تعاملی چند سویه است. فرهنگ انگلیسی آکسفورد مشارکت را، کنش یا واقعیت شرکت داشتن و سهم داشتن معنی کرده است که در این معنا مشارکت می‌تواند.

«- مقطعی^۲؛ معطوف به هدف خاص و یا بخشی از حیات اجتماعی باشد.

- پایدار^۳؛ با هدف از پیش تعریف شده و یا ناظر بر بخش خاصی از زندگی اجتماعی باشد.

- اخلاقی^۴ یا غیر اخلاقی^۵؛ مبتنی بر هدفهای مثبت یا هدفهای شروانه باشد.

- تحمیلی^۶ یا داوطلبانه و آزاد^۷ باشد.

- کنترل شده^۸ و یا خودجوش^۹ باشد» (رهنما^{۱۰} ۱۹۹۹، ص ۱۱۶).

1. Participation

3. Intransitive

5. Immoral

7. Free

9. Spontaneous

2. Transitive

4. Moral

6. Forced

8. Manipulative

10. Rahnema

به نظر هال^۱ «تعارض بین دیدگاههای عملگرایانه^۲ و دیدگاههای عمدتاً فلسفی از مشارکت موجب شده که مفهوم مشارکت تبدیل به یک مفهوم چند وجهی و در طی زمان با معنای متفاوتی هویدا شود» (هال ۱۹۸۸، ص ۹۳). در نتیجه مشارکت مردمی در معنای عام خود همانند سایر واژگان حوزه علوم اجتماعی - انسانی تحت شرایط اجتماعی متفاوت معانی متعددی پیدا نموده و پرسشهایی چون فعالیت مشارکتی تا چه حد ضروری و مطلوب است؟ هدفهای آن چه هستند؟ آیا مشارکت در مقام اجرا است و یا در مقام تصمیم‌گیری نیز می‌باشد؟ از پرسشهایی هستند که بر حسب تعریف مشارکت پاسخهای مختلفی دریافت نموده‌اند (ملل متحد ۱۹۸۸، ص ۲۹۱). به نظر آلن بیرو^۳ از منظر جامعه‌شناسی «باید بین مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) و به عنوان حالت یا وضع (امر شرکت کردن) تمیز قائل شد. مشارکت در معنای اول داشتن شرکتی فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد و در معنای دوم از تعلق گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد» (بیرو ۱۳۶۶، ص ۲۷۵). «مشارکت عمومی را می‌توان به عنوان یک نظام خود وکیلی و به عنوان متشکله یک نظام جدید نمایندگی محسوب کرد» (دشتی ۱۳۷۶، ص ۱۶۴). از منظر نظام‌مندی و کارکردی مشارکت را «سازوکاری برای بقا، توسعه و تعالی نظام اجتماعی دانسته‌اند که توسعه نیافتن ساختارهای لازم برای مشارکت و نهادی کردن آن به انقراض نظام اجتماعی و سقوط سیاسی آن می‌انجامد» (مردوخی ۱۳۷۳، ص ۷۱).

مشارکت را نوعی کنش هدفمند نیز دانسته‌اند که در فرایند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او در جهت نیل به هدفهای معین و از پیش تعیین و تعریف شده نمود پیدا می‌کند. درنگاهی دیگر مشارکت را فرایند آگاهانه تقسیم قدرت و منابع کمیاب و فراهم سازی فرصت برای رده‌های پایین جمعیتی برای بهبود شرایط زندگی آنها عنوان نموده‌اند. وقتی مشارکت را به منزله فراگرد نیرومند سازی در نظر می‌گیریم مشارکت مبتنی بر سه ارزش «سهیم کردن مردم در قدرت و اختیار، راه دادن مردم برای نظارت بر سرنوشت خویش و بازگشودن فرصتهای پیشرفت به روی رده‌های زیرین جامعه خواهد بود. حاصل آن تسهیل در شنیدن صدای دیگران، احساس مالکیت نمودن، از میان بردن حاشیه نشینی، نیرومند ساختن ناتوانان و در هم شکستن فرهنگ سکوت خواهد بود» (طوسی ۱۳۷۰، ص ۸).

مشارکت را به مثابه نوعی کنش ارتباطی نیز در نظر می‌گیرند که مبتنی بر فهم متقابل است

1. Hall

2. Pragmatic

3. Allen Biro

«آن چنان‌که هابرماس کنش معطوف به فهم متقابل یا کنش ارتباطی را نوع اصلی کنش اجتماعی دانسته و معتقد است که هر شکل از کنش اجتماعی دیگر که معطوف به سلطه یا اعمال نفوذ محض باشد یک شکل اشتقاقی از کنش اجتماعی است و به صورت انگلی بر روی کنش ارتباطی به حیات خود ادامه می‌دهد» (راملا^۱ و بریودلاکروز^۲ ۲۰۰۰، ص ۲۷۵).

در اینجا برای درک مناسب‌تر فضای مفهومی مشارکت به برخی از تعاریف آن اشاره می‌شود.

گائوتری در تعریف مشارکت می‌نویسد «مشارکت فرایندی اجتماعی، عمومی، یکپارچه، چندگانه، چند بعدی و چند فرهنگی است که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است» (گائوتری ۱۹۸۶، ص ۳۷).

آرنشتاین^۳ «مشارکت را نوعی توزیع مجدد قدرت می‌داند که به سبب آن، شهروندانی را که در حال حاضر در فرایند سیاسی و اقتصادی کنار گذاشته شده‌اند، قادر می‌سازد تا به تدریج در آینده شرکت داده شوند» (اوکلی و مارسدن ۱۳۷۰، ص ۳۳).

به نظر یومال^۴ «مشارکت در مفهوم گسترده‌اش برانگیختن حساسیت مردم و در نتیجه به معنی افزایش درک و توان آنان برای پاسخگویی به طرحهای توسعه و نیز به معنای تشویق ابتکارات محلی است» (پاتریک ۱۳۷۴، ص ۱۱۹).

سازمان ملل در ۱۹۸۱ مشارکت را «ایجاد فرصتهایی که همه اعضای یک اجتماع محلی و جامعه بزرگتر را قادر به مشارکت فعال و مؤثر در فرایند توسعه و بهره برداری از ثمرات و منافع توسعه نماید، تعریف نموده است» (ملل متحده ۱۹۸۱، ص ۵).

مؤسسه تحقیقاتی ملل متحد برای توسعه اجتماعی^۵ مشارکت را «کوششهای سازمان یافته برخی از گروهها و جنبشهایی که تاکنون از حیطه اعمال چنین کنترلی محروم و مستثنی بوده‌اند، برای افزایش کنترل بر منابع و نهادهای نظم دهنده در شرایط اجتماعی معین تعریف می‌کند» (ولف^۶ ۱۹۸۳، ص ۲). این تعریف نسبت به تعریفهایی که سازمانهای بین‌المللی مطرح کرده‌اند دارای اهمیت بیشتری است.

اوکلی برای تعریف مشارکت به بیان سه تفسیر در خصوص مشارکت می‌پردازد که

1. Ramella
3. Ornstein
5. UNRISD

2. Bravodelacruz
4- Umalele
6. Wolf

عبارت‌اند از «۱» مشارکت به عنوان سهم^۱ داشتن که معتقد است این تفسیر در مورد پروژه‌های بهداشتی، تأمین آب، جنگلداری، منابع طبیعی، امور زیربنایی در جهان سوم که دارای هدفهای از پیش تعیین شده‌ای می‌باشند صادق است؛^۲ مشارکت به عنوان سازمان^۳ که در این تفسیر سازمان به منزله ابزار و ساز و کار اصلی مشارکت مطرح گردیده و بر تشکیل تعاونیها، مؤسسه‌های کشاورزی، کمیته‌های مربوط به مدیریت آب و غیره تأکید می‌شود؛ و «۳» مشارکت به عنوان توانمندسازی^۴، در این تفسیر به بهره‌مند شدن مشارکت کنندگان از مهارت، دانش، قابلیت‌های توسعه‌ای و توان تصمیم‌گیری تأکید می‌شود» (اوکلی^۴ و همکاران ۱۹۹۹، صص ۸-۹).

رحمان در تعریف مشارکت می‌نویسد «مشارکت مردمی به معنای کوشش و تلاش جمعی در یک زمینه سازمانی است که اعضا با ائتلاف منابع در صدد دستیابی به هدفهایشان هستند. در نتیجه مشارکت یک فرایند فعال است که هر یک از مشارکت کنندگان به واسطه اندیشه، تأمل و نظارت فعالشان به اقدام و عمل مشارکتی ترغیب می‌شوند. او در بیان مفاهیم کلیدی این تعریف به مواردی اشاره می‌کند که از آن جمله است: ۱) مشارکت فعالیت سازمان یافته از طرف مردم متحد و متجانس است که واحد اولیه آن را متقاعد شدن افراد به کنش جمعی تشکیل می‌دهد؛ ۲) مبادرت به کنش و عمل جمعی داشتن؛ ۳) تفکر و تأمل مستقیم نسبت به کارها و فعالیتها داشتن؛ و ۴) نظارت بر فرایند مشارکت نمودن» (رحمان ۱۹۹۳، ص ۱۵۰).

مشارکت سازمان یافته اقتصادی و اجتماعی با برنامه‌های مشارکت مردمی^۵ مورد نظر فائو «که هدف آنها درگیر ساختن فعال مردم در برنامه‌های توسعه و سازماندهی طبقات پایین مردم روستایی است و برای اجرای برنامه‌های مشارکت مردمی بر مؤلفه‌هایی چون تمرکز بر تهیدستان روستایی، مشارکت زنان در توسعه، گروههای کوچک، نمایندگان اجرایی، کمیته‌های هماهنگ کننده نیروهای بومی پروژه، گروههای ترویج، تولید در آمد و پس انداز، اعتبارات، آموزش، ارزیابی مشارکتی و خوداتکایی اصرار دارد» (فائو ۱۳۷۶، ص ۴۵) ارتباط تنگاتنگی دارد. سالینا نیز از راهبرد تأسیس نهادهای غیر متمرکز به مثابه نهادهای مشارکتی یاد می‌کند. منظور از تأسیس نهاد را «ایجاد سازوکارهایی می‌داند که به طور مستمر و پایدار در اختیار مردم هستند تا درباره مسایل و مشکلاتی که با آنها مواجهند به بحث بپردازند. چنین

1. Contribution

2. Organization

3. Empowerment

4. Oakley

5. People Participation Programs

نهادهایی می‌توانند به سادگی کمیته‌های همسایگی یا به پیچیدگی یک بانک تعاونی باشند» (سالینا ۱۳۶۵، ص ۱۲۳).

مشارکت اجتماعی دلالت بر گسترش روابط بین گروهی در قالب انجمنهای داوطلبانه، باشگاهها، اتحادیه‌ها و گروههایی دارد که معمولاً خصلتی محلی و غیر دولتی دارند؛ که در قالب سیاستهای اجتماعی مشارکت و درگیر ساختن مردم در فرایندهای اجتماعی مختلف را هدف خود می‌دانند. به عبارتی مشارکت اجتماعی «به آن دسته از فعالیتهای آزادی دلالت دارد که از طریق آنها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند» (محسنی تریزی ۱۳۶۹، ص ۱۰۸). تعدد و گستردگی سازمانهای محلی و غیر دولتی در یک جامعه شاخص و مبین وجود مشارکت اجتماعی در آن جامعه است؛ تا جایی که جامعه مدنی به واسطه بسط و گسترش مشارکت‌های اجتماعی و نهادهای مدنی تعریف می‌شود. نهادهای مدنی تشکل‌های مردمی غیر دولتی هستند که در حدها فصل توده‌های مردم با دولت به وجود آمده‌اند و بخشی از مردم را برای دستیابی به یک هدف مشخص، و در یکی از حوزه‌های اجتماعی سازماندهی می‌نمایند. «دامنه فعالیت این نهادها، که به منظور مشارکت سازمان یافته مردم تشکیل می‌شوند بسیار گسترده است. اتحادیه‌های صنفی، احزاب سیاسی، بنگاههای اقتصادی، خصوصی، شرکتهای تعاونی، گروههای هنری، مطبوعات، مؤسسه‌های خیریه و حتی اجتماعات محلی مشتمل بر ساکنان یک خیابان و محله می‌توانند مثالی از نهادهای مدنی باشند (دانشمندی ۱۳۷۷، ص ۱۷۰). «سعدالدین ابراهیم از پیشینه سازی مشارکت جمعی سازمان یافته اختیاری در عرصه عمومی بین افراد و دولت به عنوان جامعه مدنی یاد می‌کند» (چلبی ۱۳۷۵، ص ۲۸۸). مشارکت اجتماعی با مشارکت مردمی قرابت شدیدی دارد؛ زیرا اولاً مشارکتی است که از متن جامعه برمی‌آید، ثانیاً عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی را در برمی‌گیرد. چنین مشارکتی در برنامه‌های عمران اجتماعی^۱، به خصوص روستاها، جایگاه ویژه‌ای دارد که غفلت از آن و فراهم نساختن بسترهای لازم برای بسط و بهره‌گیری مناسب از آن برنامه‌های عمران اجتماعی را در دچار مشکل و نارسایی می‌نماید.

بنابراین مشارکت اجتماعی را می‌توان فرایند سازمان یافته‌ای دانست که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدفهای معین و مشخص، که منجر به سهیم

شدن در منابع قدرت می‌گردد، تعریف کرد.

نمود عینی چنین مشارکتی وجود نهادهای مشارکتی چون انجمنها، گروهها، سازمانهای محلی و غیردولتی هستند.

یکی از مقیاسهایی که به لحاظ عملی برای سنجش مشارکت اجتماعی در ادبیات مشارکت مورد توجه قرار گرفته است، مقیاس مشارکت اجتماعی چین^۱ است که حاوی مقوله‌های تعلق (عضویت) سازمانی حضور در نشست‌ها، کمک‌های مالی، عضویت در کمیته‌ها و داشتن مسؤولیت (منصب) است که به ترتیب برای هریک از مقوله‌ها نمره‌های ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ را تخصیص می‌دهیم. با جمع کردن این نمره‌ها از مجموع سازمانهایی که فرد با آنها در ارتباط است، نمره مشارکت اجتماعی او تعیین می‌گردد.

«درانتقاد به این مقیاس عنوان شده که فقط مشارکت اجتماعی رسمی^۲ را اندازه‌گیری می‌کند و مشارکت اجتماعی غیررسمی را نادیده می‌گیرد. با وجود این به کرات مورد استفاده پژوهشگران قرار گرفته است» (پارکر ۱۹۸۳، ص ۸۶۵).

بالحام از مقیاس چین مشارکت اجتماعی در جامعه مورد مطالعه، برحسب مقوله‌هایی که در زیر اشاره می‌شود؛ مورد سنجش قرار گرفته است:

۱) عضویت در مجامع مشارکتی (برای هر مجمع یک نمره)

۲) موقعیت مشارکتی در هر مجمع؛

عادی (نمره ۱)، فعال (نمره ۲)، دارای مسؤولیت (نمره ۳)

۳) مشارکت در اجرا

- مشارکت در طرحهای عمرانی (برای هر طرح یک نمره)

۴) مشارکت در تصمیم‌گیری

- شرکت در جلسات مجامع مشارکتی (بلی ۱ و خیر ۰)

- آرایه نظر و پیشنهاد در مورد طرحها (بلی ۱ و خیر ۰)

حوزه تحقیق

مناطق روستایی شهرکاشان، که بر مبنای سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵

می باشد حوزه مورد مطالعه را تشکیل داده است. با بهره گیری از فنون نمونه گیری و طبقه بندی روستاها در سه گروه روستاهای با امکانات توسعه ای پایین، متوسط و بالا ۱۳ روستا انتخاب شد که ۴۰۶۶ خانوار را تحت پوشش داشتند. از این جامعه نیز نمونه ای به حجم ۱۷۰ خانوار تعیین و به روش پیمایشی با استفاده از تکنیک مصاحبه حضوری مستقیم مورد تحقیق قرار گرفته و داده های مورد نیاز، برای شناسایی چگونگی توزیع و سهم روابط بین متغیرهای تحقیق، از سرپرست خانوارها به مثابه واحدهای تحلیل، جمع آوری شده است.

چگونگی توزیع و روابط بین متغیرها

الف. توزیع متغیرها

اعتماد اجتماعی

میزان اعتماد اجتماعی در بین روستاییان با استفاده از طیف برش قطبین نه گویه ای زیر اندازه گیری شده که چگونگی توزیع درصدی پاسخهای افراد مورد مطالعه به گویه های این طیف و بار هر گویه در جدول زیر آورده شده است.

جدول توزیع درصدی و بار پاسخهای افراد مورد مطالعه به گویه های طیف اعتماد اجتماعی

بار	گویه ها	اصلاً	تا حدودی	زیاد	گویه ها
		۰	۱	۲	
۰/۵۲	ظاهر و باطنشان یکی است	۱۱/۲	۶۱/۸	۲۷/۱	ظاهر و باطنشان یکی نیست
۰/۸۳	نسبت به یکدیگر اعتماد دارند	۶/۵	۵۷/۶	۳۵/۹	نسبت به یکدیگر اعتماد ندارند
۰/۸۱	روی قول و قرارشان نیستند	۴/۷	۵۸/۸	۳۶/۵	روی قول و قرارشان هستند
۰/۸۲	به نظر یکدیگر اهمیت می دهند	۴/۷	۶۰/۶	۳۴/۷	به نظر یکدیگر اهمیت نمی دهند
۰/۵۱	نسبت به یکدیگر احساس مسؤولیت نمی کنند	۱۱/۸	۵۰	۳۸/۲	نسبت به یکدیگر احساس مسؤولیت می کنند
۰/۷۷	ضمانت مالی یکدیگر را می کنند	۵/۹	۵۸/۲	۳۵/۹	ضمانت مالی یکدیگر را نمی کنند
۰/۷۴	رک و پوست کنده حرف می زنند	۸/۲	۵۵/۳	۳۶/۵	رک و پوست کنده حرف نمی زنند
۰/۷۶	به یکدیگر پول قرض می دهند	۶/۵	۵۷/۶	۳۵/۹	به یکدیگر پول قرض نمی دهند
۰/۷۸	وسایل کار را به یکدیگر امانت می دهند	۲/۴	۵۳/۵	۴۴/۱	وسایل کار را به یکدیگر امانت نمی دهند

ماتریس همبستگی درونی بین گویه ها و نتیجه تحلیل عامل بر روی این گویه ها برای

تعیین اعتبار سازه‌ای طیف به قرار زیر است.

ماتریس همبستگی بین گویه‌های طیف اعتماد اجتماعی

گویه‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	۱								
۲	۰/۴	۱							
۳	۰/۴	۰/۷	۱						
۴	۰/۴	۰/۷	۰/۷	۱					
۵	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۱				
۶	۰/۴	۰/۶	۰/۵	۰/۶	۰/۳	۱			
۷	۰/۳	۰/۶	۰/۶	۰/۵	۰/۳	۰/۵	۱		
۸	۰/۳	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۴	۰/۶	۰/۵	۱	
۹	۰/۲۵	۰/۵	۰/۶	۰/۶	۰/۳	۰/۵	۰/۶	۰/۷	۱

تمامی گویه‌های طیف به لحاظ همبستگی درونی‌شان با یکدیگر، دارای همبستگیهای معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد هستند. تمامی آنها بر مبنای نتایج تحلیل عامل در عامل واحد جمع شده‌اند. مقدار شاخص KMO^1 برابر با $0/9$ و معناداری آزمون بارتلت^۲، که دلالت بر قابلیت داده‌ها برای به‌کارگیری تکنیک تحلیل عامل بر روی آنها دارد. اعتبار سازه‌ای گویه‌ها را در قالب یک طیف برای سنجش مفهوم واحد اعتماد اجتماعی تأیید می‌نمایند. روایی این طیف نیز با توجه به مقدار ضریب کرونیخ آلفا^۳ که $0/88$ می‌باشد در سطح قابل قبول قرار دارد. مجموع نمره‌های این طیف برابر با ۱۸ می‌باشد. دامنه تغییر آن در جامعه مورد مطالعه ۱۶، میانگین آن $11/71$ و واریانس آن $17/19$ می‌باشد. پس از تقسیم مجموع نمره‌های طیف به تعداد گویه‌ها و تقسیم آن به سه مقوله با فواصل برابر داده‌های جدول، توزیع زیر حاصل گردید.

1. Kaiser-Meyer-Olin Measure of Sampling Adequacy

مناسب‌ترین آزمون برای تعیین مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عامل می‌باشد که معمولاً مقدار آن برای مناسب بودن داده‌ها باید از $0/7$ به بالا باشد.

2. Bartlette's Test

این آزمون چنانچه معنادار باشد نشانگر قابلیت داده‌ها برای تحلیل عامل می‌باشد.

3. Cronbach's Coefficient Alpha

ضریب کرونیخ آلفا بین صفر تا یک تغییر می‌نماید. در صورت صفر بودن دلالت بر عدم وجود روایی برای طیف و در صورت برابر با یک بودن دلالت بر وجود روایی کامل دارد. معمولاً زمانی که این ضریب بالاتر از $0/75$ باشد روایی طیف را مورد قبول تلقی می‌نمایند.

جدول توزیع فراوانی و درصدی میزان اعتماد اجتماعی در جامعه مورد مطالعه

میزان اعتماد اجتماعی	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی	فراوانی تجمعی
کم	۲۵	۱۴/۷	۱۴/۷
متوسط	۱۰۵	۶۱/۸	۷۶/۵
زیاد	۴۰	۲۳/۵	۱۰۰
جمع	۱۷۰	-	-

داده‌های جدول فوق حاکی از آن است که میزان اعتماد اجتماعی در بین روستاییان مورد مطالعه در ۱۴/۷ درصد موارد کم، ۶۱/۸ درصد متوسط و ۲۳/۵ درصد زیاد ارزیابی نموده‌اند که مجموع ارزیابی از میزان اعتماد اجتماعی در بین روستاییان دلالت بر میزان اعتماد اجتماعی در سطح متوسط به بالا دارد.

رضایت از دولت (رضایت از مأموران دولتی)

میزان رضایت از دولت با استفاده از طیف برش قطبین ده گویه‌ای در قالب ارزیابی پاسخگویان از عملکرد مأموران دولتی مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است. چگونگی توزیع درصدی پاسخگویی به گویه‌های این طیف و بار هر گویه در جدول زیر آورده شده است.

جدول توزیع درصدی و نمره بار پاسخگویان به هر گویه

بار	گویه‌ها	نا محدودی			گویه‌ها
		زیاد ۲	۱	کم ۰	
۰/۷۰	با آدم با گرمی و خوش رویی برخورد نمی‌کنند	۳۷/۱	۶۰	۲/۹	۱. با آدم با گرمی و خوش رویی برخورد می‌کنند
۰/۶۹	آدمهای درستکار و صادقی هستند	۳۳/۵	۶۲/۹	۳/۵	۲. آدمهای کلک و دروغگویی هستند
۰/۷۹	خیلی کند هستند و آدم را سر می‌دوانند	۱۴/۷	۶۵/۳	۲۰	۳. زود کار آدم را راه می‌اندازند
۰/۷۲	آدمهای زحمتکشی هستند	۳۱/۸	۶۶/۵	۱/۸	۴. آدمهای تنبل و راحت طلبی هستند
۰/۷۹	روی قول و قرارشان نیستند	۲۴/۷	۶۳/۵	۱۱/۸	۵. به حرفشان عمل می‌کنند
۰/۷۹	بیشتر به فقرا می‌رسند	۲۴/۲	۶۲/۹	۱۲/۹	۶. بیشتر به پولدارها می‌رسند
۰/۷۶	اصلاً به حرف‌های مردم و اهالی روستا گوش نمی‌دهند	۱۹/۴	۷۴/۱	۶/۵	۷. بیشتر به حرف مردم و اهالی روستا گوش می‌دهند
۰/۷۹	در کارشان پارتی بازی نیست	۲۲/۴	۵۵/۲	۲۲/۴	۸. در کارشان پارتی بازی هست
۰/۴۸	مردم قبولشان دارند	۴/۷	۶۲/۷	۳۰/۶	۹. مردم قبولشان ندارند
۰/۷۳	حرف زور می‌زنند	۲۴/۱	۶۳/۵	۲/۴	۱۰. حرف حق می‌زنند

ماتریس همبستگی درونی گویه‌های این طیف و نیز نتیجه تحلیل عامل انجام شده بر روی گویه‌ها، برای آزمون اعتبار سازه‌ای طیف به قرار زیر می‌باشد.

ماتریس همبستگی بین گویه‌های طیف رضایت از دولت

گویه‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۱									
۲	۰/۴۵	۱								
۳	۰/۵	۰/۵	۱							
۴	۰/۵	۰/۵	۰/۴	۱						
۵	۰/۵	۰/۵	۰/۶	۰/۵	۱					
۶	۰/۴	۰/۵	۰/۷	۰/۵	۰/۶	۱				
۷	۰/۵	۰/۴	۰/۶	۰/۵	۰/۶	۰/۵	۱			
۸	۰/۵	۰/۵	۰/۶	۰/۵	۰/۶	۰/۶	۰/۵	۱		
۹	۰/۵	۰/۴	۰/۴	۰/۵	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۱	
۱۰	۰/۴	۰/۴۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۷	۱

تمامی گویه‌های این طیف دارای همبستگی معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌باشند. تحلیل عامل بر روی گویه‌ها با توجه به مقدار سنجه KMO که برابر با ۰/۹ است و معناداری آزمون بارتلت قابلیت داده‌ها را برای تحلیل عامل نشان می‌دهد. جمع شدن گویه‌ها در یک عامل دلالت بر اعتبار سازه‌ای گویه‌های طیف برای سنجش مفهوم واحد رضایت از دولت دارد. ضریب کرونیخ این طیف ۰/۹ می‌باشد در نتیجه روایی آن نیز مورد قبول است.

مجموع نمره‌های این طیف ۲۰ می‌باشد. دامنه تغییر آن در جامعه مورد مطالعه ۱۸، میانگین و واریانس آن به ترتیب ۱۱/۷ و ۱۴/۷ می‌باشد. پس از تقسیم مجموع نمره‌های هر پاسخگو به تعداد گویه‌ها و تقسیم آن به سه مقوله با فواصل برابر، جدول توزیع فراوانی زیر به دست آمده است.

جدول توزیع فراوانی و درصدی میزان رضایت از دولت

میزان رضایت	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی	فراوانی نسبی
کم	۱۸	۱۰/۶	۱۰/۶
متوسط	۱۰۰	۵۸/۸	۶۹/۴
زیاد	۵۲	۳۰/۶	۱۰۰
جمع	۱۷۰	۱۰۰	-

داده‌های جدول بالا حاکی است که ۱۰/۶ درصد افراد مورد مطالعه از مأموران دولتی رضایت کم، ۵۸/۸ درصد، بیشتر از نیمی از افراد مورد مطالعه، رضایت متوسط و ۳۰/۶ درصد نیز دارای رضایت زیاد می‌باشند.

باترکیب دو مقوله فوق متغیر اعتماد اجتماعی محاسبه شده است که میانگین آن ۲۳/۳۴ و واریانس آن ۴۵/۰۲ می‌باشد. که پس از تقسیم به تعداد گویه‌ها و تقسیم آن به سه مقوله با فواصل برابر جدول توزیع زیر به دست آمده است

جدول توزیع فراوانی و درصدی میزان اعتماد اجتماعی در جامعه مورد مطالعه

میزان اعتماد اجتماعی	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی	فراوانی تجمعی
کم	۱۵	۸/۸	۸/۸
متوسط	۱۰۳	۶۰/۶	۶۹/۴
زیاد	۵۲	۳۰/۶	۱۰۰
جمع	۱۷	۱۰۰	-

داده‌های جدول فوق حاکی است که میزان اعتماد اجتماعی در بین روستاییان مورد مطالعه در ۸/۸ درصد کم، ۶۰/۶ درصد متوسط و در ۳۰/۶ درصد زیاد ارزیابی شده است.

مشارکت اجتماعی

الف. عضویت مشارکتی

میزان و چگونگی توزیع افراد مورد مطالعه بر اساس تعدد عضویت آنها در مجامع مشارکتی چون تعاونی روستا، خانه همیار، تعاونی تولید روستا، تعاونی فروش، شورای روستا، گروه‌های هم آب سنتی (قنات و چشمه) و مدرن (چاه عمیق)، انجمن اولیا و مربیان مدرسه، انجمن اسلامی، پایگاه بسیج و... در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول توزیع فراوانی مطلق و درصدی افراد مورد مطالعه

برحسب تعدد عضویت در مجامع مشارکتی

موارد	تعداد	درصد	درصد تجمعی
یک تا سه مجمع	۵۸	۳۴/۱	۳۴/۱
چهار تا شش مجمع	۹۰	۵۲/۹	۸۷
هفت مجمع و بیشتر	۲۲	۱۳	۱۰۰
جمع	۱۷۰	۱۰۰	-

داده‌های جدول بالا حاکی است که ۳۴/۱ درصد افراد مورد مطالعه در یک تا سه مجمع از مجامع مشارکتی عضویت داشته‌اند، ۵۲/۹ درصد، بیشتر از نیمی از افراد مورد مطالعه، در چهار

تا شش مجمع مشارکتی و فقط ۱۳ درصد آنها در هفت مجمع و بیشتر از آن عضویت داشته‌اند. دامنه تغییر، میانگین و واریانس این متغیر در شکل فاصله‌ای آن به ترتیب ۱۰، ۴/۵ و ۳/۶ می‌باشد.

ب. موقعیت مشارکتی

وضعیت افراد مورد مطالعه بر مبنای موقعیت مشارکتی آنها در مجامع مشارکتی برحسب سه مقوله عضویت عادی، فعال و دارای مسؤولیت با وزن‌های یک، دو و سه دارای دامنه تغییر ۱۵، میانگین ۵/۲ و واریانس ۷/۷ می‌باشد که توزیع نمره‌های آنها پس از رتبه‌بندی مجدد در سه مقوله عادی، فعال و دارای مسؤولیت به صورت جدول زیر می‌باشد.

جدول توزیع فراوانی مطلق و درصدی افراد مورد مطالعه برحسب موقعیت مشارکتی

موقعیت مشارکتی	تعداد	درصد	درصد تجمعی
عادی	۱۲۶	۴۷/۱	۴۷/۱
فعال	۳۳	۱۹/۴	۹۳/۵
دارای مسؤولیت	۱۱	۶/۵	۱۰۰
جمع	۱۷۰	۱۰۰	-

داده‌های جدول فوق حاکی است که ۴۷/۱ درصد افراد مورد مطالعه، نزدیک به نیمی از آنها، دارای موقعیت عادی در مجامع مشارکتی هستند، یعنی فقط عضویت این مجامع را دارند، ۱۹/۴ درصد دارای موقعیت فعال هستند بدین معنا که در تشکیل، حفظ و ارتباط با مجمع فعالیتی فراتر از عضویت صرف را به عهده دارند و در نهایت فقط ۶/۵ درصد آنها در مجامع مشارکتی که در آن عضویت دارند، دارای مسؤولیت هستند.

ج. مشارکت در اجرا

مشارکت در اجرا در قالب مشارکت در طرح‌های عمرانی، به لحاظ تعداد طرح، مورد توجه قرار گرفته است.

دامنه تغییر مشارکت در طرح‌های عمرانی ۱۳، میانگین ۲/۳۲ و واریانس ۲/۴ می‌باشد. صورت طبقه‌بندی شده این متغیر در جدول زیر آورده شده است.

جدول توزیع فراوانی و درصدی افراد مورد مطالعه برحسب شرکت در تعداد طرحهای عمرانی

تعداد طرح	تعداد	درصد	درصد تجمعی
هیچ	۱۲	۷/۱	۷/۱
یک طرح	۹۰	۵۲/۹	۶۰
دو طرح	۵۷	۳۳/۵	۹۳/۵
سه طرح و بیشتر	۱۱	۶/۵	۱۰۰
جمع	۱۷۰	۱۰۰	-

بر اساس داده‌های جدول بالا ۷/۱ درصد افراد مورد مطالعه در هیچ طرح عمرانی مشارکت نداشته‌اند. تقریباً ۵۳ درصد آنها، بیشتر از نیمی از افراد مورد مطالعه، حداقل در یک طرح عمرانی مشارکت داشته‌اند، ۳۳/۵ درصد آنها در دو طرح و ۶/۵ درصد آنها در اجرای سه طرح و بیشتر مشارکت داشته‌اند.

د. مشارکت در تعداد طرحهای عمرانی

دامنه تغییر مشارکت در طرحهای عمرانی ۱۳، میانگین ۲/۳۲ و واریانس ۲/۴ می‌باشد. صورت طبقه‌بندی شده این متغیر در جدول زیر آورده شده است.

جدول توزیع فراوانی و درصدی افراد مورد مطالعه برحسب شرکت در تعداد طرحهای عمرانی

تعداد طرح	تعداد	درصد	درصد تجمعی
هیچ	۱۲	۷/۱	۷/۱
یک طرح	۹۰	۵۲/۹	۶۰
دو طرح	۵۷	۳۳/۵	۹۳/۵
سه طرح و بیشتر	۱۱	۶/۵	۱۰۰
جمع	۱۷۰	۱۰۰	-

بر اساس داده‌های جدول بالا ۷/۱ درصد افراد مورد مطالعه در هیچ طرح عمرانی مشارکت نداشته‌اند. تقریباً ۵۳ درصد آنها، بیشتر از نیمی از افراد مورد مطالعه، حداقل در یک طرح عمرانی مشارکت داشته‌اند، ۳۳/۵ درصد آنها در دو طرح و ۶/۵ درصد آنها در اجرای سه طرح و بیشتر مشارکت داشته‌اند.

ح. مشارکت در تصمیم‌گیری

مشارکت در تصمیم‌گیری در قالب دو مقوله، دفعات شرکت در جلسات مجامع مشارکتی، ارایه نظر و پیشنهاد در جلسات مربوط به طرحهای عمرانی و اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته است. چگونگی توزیع مربوط به هر یک از این مقوله‌ها به صورت زیر می‌باشد.

و. شرکت در جلسات مجامع مشارکتی

دامنه تغییر شرکت در تعداد جلسات برای افراد مورد مطالعه ۱۱، میانگین ۳/۵ و واریانس آن ۴/۳ می‌باشد. جدول زیر چگونگی توزیع این متغیر را در شکل طبقه‌بندی شده آن، نشان می‌دهد. معمولاً جلسات به صورت دوره‌ای، فصلی یا سالیانه، برای افراد عضو هر یک از مجامع، تشکیل می‌شود.

جدول توزیع فراوانی مطلق و درصدی افراد مورد مطالعه
بر حسب شرکت در جلسات مجامع مشارکتی

موارد	تعداد	درصد	درصد تجمعی
هیچ	۷	۴/۱	۴/۱
یک تا دو بار	۵۰	۲۹/۴	۳۳/۵
سه تا چهار بار	۶۶	۳۸/۸	۷۲/۴
پنج بار و بیشتر	۴۷	۲۷/۶	۱۰۰
جمع	۱۷۰	۱۰۰	-

داده‌های جدول بالا حاکی است که ۴/۱ درصد افراد در هیچ یک از جلسات شرکت نکرده‌اند. ۲۹/۴ درصد در یک تا دو جلسه، ۳۸/۸ درصد در سه تا چهار جلسه و ۲۷/۶ درصد در پنج جلسه و بیشتر شرکت کرده‌اند.

ز. ارایه نظر و پیشنهاد در جلسات

ارایه نظر و پیشنهاد در جلسات، که دلالت بر مشارکت در نظام تصمیم‌گیری دارد، متغیری است که در جامعه مورد مطالعه دارای دامنه تغییر ۷، میانگین ۱/۳۶ و واریانس ۲ می‌باشد. پس از طبقه‌بندی این متغیر جدول زیر به دست آمده است.

جدول توزیع فراوانی مطلق و درصدی افراد مورد مطالعه برحسب آرایه پیشنهاد در جلسات طرح

تعداد پیشنهاد	تعداد	درصد	درصد تجمعی
هیچ	۶۱	۳۵/۹	۳۵/۹
یک بار	۴۲	۲۴/۷	۶۰/۶
دو بار	۳۴	۲۰	۸۰/۶
سه بار	۲۰	۱۱/۸	۹۲/۴
چهار بار و بیشتر	۱۳	۷/۶	۱۰۰
جمع	۱۷۰	۱۰۰	-

بر مبنای داده‌ای جدول فوق تقریباً ۳۶ درصد افراد مورد مطالعه در نظام تصمیم‌گیری مربوط به طرح‌های عمرانی هیچ نقشی نداشته‌اند، ۲۴/۷ درصد فقط یک بار، ۲۰ درصد دو بار، ۱۱ درصد سه بار و فقط ۷/۶ درصد چهاربار و بیشتر با آرایه نظر و پیشنهاد در نظام تصمیم‌گیری مربوط به طرح‌های عمرانی مشارکت داشته‌اند.

با ترکیب مقوله‌های فوق نمره مشارکت اجتماعی، برای هر یک از افراد، محاسبه شده است. که میانگین و واریانس این نمره در جامعه مورد مطالعه به ترتیب ۱۶/۸۸ و ۵۴/۴۱ می‌باشد در جدول زیر توزیع نمره‌های افراد مورد مطالعه، در قالب سه مقوله، با فواصل برابر نشان داده شده است.

جدول توزیع فراوانی درصدی میزان مشارکت اجتماعی در جامعه مورد مطالعه

میزان مشارکت	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی	فراوانی تجمعی
کم	۶۱	۳۵/۹	۳۵/۹
متوسط	۸۱	۴۷/۶	۸۳/۵
زیاد	۲۸	۱۶/۵	۱۰۰
جمع	۱۷۰	۱۰۰	--

ملاحظه می‌شود که براساس داده‌های جدول فوق میزان مشارکت اجتماعی در میان ۳۵/۹ درصد افراد مورد مطالعه کم، ۴۷/۶ درصد متوسط و برای ۱۶/۵ درصد به میزان زیاد می‌باشد.

ب. روابط بین متغیرها

بررسی رابطه بین دو متغیر، میزان اعتماد اجتماعی به مثابه متغیر مستقل و میزان مشارکت

اجتماعی روستاییان به مثابه متغیر وابسته از اهداف اصلی نویسنده این مقاله است؛ رابطه‌ای که

در تحقیقات مختلف در اشکال متنوع همبستگی، تعاملی و هم تغییر از حیث نظری و تجربی مورد توجه قرار گرفته است. آنچنان که پوتنام بقا و پایداری تعاون و همکاری هدفمند را درگرو وجود اعتماد اجتماعی و اعتماد را متضمن و در بردارندهٔ پیش بینی رفتار کنشگر مستقل دانسته است (پوتنام ۱۹۹۲، ص ۱۷۸).

به نظر پوتنام اعتماد اجتماعی مهمترین مؤلفهٔ سرمایهٔ اجتماعی است و «همکاری و تعاون داوطلبانه، درجایی که ذخیره و انباشتی اساسی از سرمایهٔ اجتماعی در قالب قواعد تبادل و شبکه‌های تعهد مدنی وجود داشته باشد، به آسانی صورت می‌گیرد. سرمایهٔ اجتماعی دلالت بر صورت‌هایی از سازمان اجتماعی چون اعتماد، قواعد و شبکه‌ها دارد که می‌توانند کارآیی جامعه را از طریق کنش‌های متناسب تسهیل نمایند. تعاون خودانگیخته از طریق سرمایهٔ اجتماعی تسهیل می‌شود» (پوتنام، همان، ص ۱۶۷). به نظر زتومکا «اعتماد پیش شرط تعاون و نیز محصول تعاون موفقیت‌آمیز است. آن چنان که برخی از نویسندگان نوشته‌اند، اعتماد تسهیل کنندهٔ تعاون است یا اعتماد مبنای عاطفی تعاون است» (زتومکا، همان، ص ۶۲). فوکویاما معتقد است: «تقریباً تمام تلاش‌های اقتصادی اعم از اداره کردن یک مغازهٔ کوچک تا ایجاد یک شرکت عظیم کامپیوتری، نه به وسیلهٔ افراد بلکه به وسیلهٔ تشکیلاتی صورت می‌گیرد که لازمهٔ آن همکاریهای اجتماعی است. به نظر اقتصاد دانان، توانایی سازماندهی تشکیلات اقتصادی نه تنها بر نهادهایی چون حقوق تجاری، قرارداد و... متکی است بلکه مستلزم مجموعهٔ قوانین و اصول اخلاقی نانوشته‌ای است که از آن به اساس اعتماد اجتماعی یاد می‌کنیم. وجود اعتماد در میان اعضای یک تشکیلات اقتصادی به میزان بسیار زیادی می‌تواند هزینهٔ آن را کاهش و کارآیی و موفقیت آن را افزایش دهد. فوکویاما، توانایی نیل به سعادت در یک جامعه را در درجهٔ اول به دوام و قوام جامعهٔ مدنی، توانایی افراد جامعه به مشارکت و همکاری در اجتماعات کوچک و بزرگ و مآلاً رعایت موازین اخلاقی چون اعتماد، صداقت و اتکاپذیری وابسته می‌داند» (امیری ۱۳۷۴، ص ۱۳).

درجایی که ریا، تزویر، حيله، نفاق در روابط اجتماعی به صورت مسلط وجود دارد، اعتماد اجتماعی جایگاهی نخواهد داشت. افراد جامعه به جای جمع‌گرایی و اشتراک‌مسابی و مشارکت دنبال فردگرایی خودخواهانه خواهند بود. در چنین شرایطی «میزان تعمیم‌پذیری اعتماد اجتماعی متقابل دچار افت قابل ملاحظه‌ای می‌شود. به طوری که کنش‌گرن اجتماعی در پهنهٔ تعاملات اجتماعی احساس امنیت نمی‌کنند. به علاوه کنشگران حقیقی و مجازی نیز که مالک هستند تمایل بیشتری می‌یابند که در عرصهٔ اقتصادی منافع شخصی خود را بدون احساس

تعهد عمومی^۱ نسبت به مصالح جمعی تعقیب نمایند» (چلبی، همان، ص ۱۳۲).

راجرز^۲ نیز در مبحث عناصر خرده فرهنگ دهقانی به عنصر عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی در جوامع دهقانی اشاره دارد که با توجه به مطالعات لوئیس^۳ مطرح شده است «وجود روحیه عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی در میان دهقانان به مثابه سدی برای سازمانهای تعاونی و اکثر برنامه‌های توسعه روستایی است. فاستر^۴ عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی در میان دهقانان را ناشی از تصور خیر محدود^۵ می‌داند» (ازکیا ۱۳۶۴، ص ۵۷).

داده‌های جمع آوری شده از جامعه مورد مطالعه (روستاهای شهر کاشان) نیز دلالت بر وجود رابطه معنادار، در سطح اطمینان ۹۹ درصد، بین دو متغیر میزان اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی دارند. میزان همبستگی بین این دو متغیر ۵۲ درصد است که با توجه به مثبت بودن میزان همبستگی نوع رابطه بین دو متغیر از نوع رابطه مستقیم است. یعنی، با افزایش میزان اعتماد اجتماعی مشارکت اجتماعی نیز افزایش پیدا کرده است. علاوه بر این آن چنان که آماره‌های زیر نشان می‌دهند اعتماد اجتماعی با تمامی معرف‌های تشکیل دهنده متغیر وابسته تحقیق دارای همبستگی معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌باشند. میزان همبستگی اعتماد اجتماعی با هر یک از معرف‌ها، یعنی عضویت در تعداد مجامع مشارکتی، موقعیت مشارکتی، شرکت در جلسات، شرکت در طرح‌های عمرانی و آرایه نظر و پیشنهاد در جلسات مربوطه به طرح‌های عمرانی به ترتیب ۰/۴۱، ۰/۳۳، ۰/۴۶، ۰/۳۴ و ۰/۴۰ می‌باشد.

نتیجه

اعتماد اجتماعی به منزله یکی از مفاهیم نرم علوم اجتماعی که قدرت عمل کردن را تسهیل می‌نماید و مقوم نظم و انسجام اجتماعی است، دلالت بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی دارد، که افراد نسبت به یکدیگر و نهادهای اجتماعی دارند. این مفهوم دراندیشه صاحب نظران مبحث سرمایه اجتماعی به عنوان مهمترین معرّف و شاخصه این سرمایه مورد توجه قرار گرفته است. وجود آن در جامعه در حکم قوه‌ای توانمند برای تشکیل و بسط روابط ثانوی است که به فضای عمومی طراوت و بالندگی ویژه‌ای می‌بخشد و جان مایه مؤثری برای کنشهای جمعی چون تعاون و مشارکت اجتماعی می‌باشد.

البته این تأثیر بخشی صورتی یک جانبه ندارد بلکه حالتی چند جانبه و متعامل دارد و نوعی رابطه تعاملی بین دو متغیر اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی وجود دارد که هر یک مقوم دیگری است و برآیند این رابطه متعامل، گسترش فضای عمومی است که با تنوع نهادهای مشارکتی و جمعی شناخته می‌شود.

در نتیجه آن چنان که داده‌های این مقاله گواهی می‌دهند با فراتر رفتن میزان اعتماد از محدوده خانواده و نظام خویشاوندی به حوزه‌های بسیط‌تر در مقیاسهای فرامحلی در قلمروهای روستایی، شهری و ملی میزان مشارکت اجتماعی نیز به تبع افزایش میزان اعتماد اجتماعی تعمیم یافته فزونی پیدامی‌کند. افزایش میزان مشارکت نیز در باز تولید و ارتقای اعتماد اجتماعی تعمیم یافته در قالب گسترش صداقت، وفاداری، حسن نیت، وظیفه‌شناسی، وفای به عهد، ثبات در اندیشه و عمل مؤثر خواهد بود. به تعبیری با تقویت اجتماع اخلاقی و تعهد عملی به التزامهای اخلاقی در سطوح بین فردی، بین فرد و نهادها و نیز بین نهادی، فرایند اعتماد اجتماعی در سطوح اعتماد افراد نسبت به یکدیگر و نیز اعتماد اجتماعی نسبت به نهادهای اجتماعی و مأمورانی که متولی و عامل در این نهادها هستند، قوت لازم را کسب خواهد کرد و زمینه ساز تعاون و مشارکت اجتماعی خواهد بود.

مآخذ

- ازکیا، مصطفی (۱۳۶۴)، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی*، انتشارات اطلاعات، تهران.
- اوکلی، پیترو و دیوید مارسدن (۱۳۷۰)، *رهیافته‌های مشارکت در توسعه روستایی*، ترجمه منصور محمودنژاد، انتشارات جهاد سازندگی، تهران.
- امیری، مجتبی (۱۳۷۴)، *پایان تاریخ و بحران اعتماد بازشناسی اندیشه‌های تازه فوکویاما*، اطلاعات سیاسی - اقتصادی - شماره ۹۸-۹۷، تهران.
- بیرو، آلن (۱۳۶۶)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، تهران.
- پاتریک، جی بویل (۱۳۷۴)، *برنامه ریزی در فرایند توسعه*، ترجمه غلامرضا احمدی و سعید شهابی، انتشارات ققنوس، تهران.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی نظم*، نشرنی، تهران.
- دانشمندی، علی (۱۳۷۷)، *نقش نهادهای مدنی در توسعه اجتماعی*، مجموعه مقالات اولین همایش تدوین برنامه سوم (جلد سوم)، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- دشتی، عبدالله (۱۳۷۶)، *دیالکتیک انضباط و خودجوشی نقش نظریه انقلابی ساندیست‌ها در فرهنگ سیاسی و مشارکت مردمی*، فصلنامه فرهنگ، شماره ۲۳، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- دوگان، ماتی (۱۳۷۴)، *سنجش مفهوم مشروعیت و اعتماد*، ترجمه پرویز پیران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۹۸-۹۷، تهران.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۲)، *سنجش گرایش روستاییان نسبت به جهاد سازندگی*، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهاد سازندگی، تهران.
- سالیما، عمر (۱۳۶۵)، *دموکراسی*، تأسیس نهاد توسعه اجتماعی، برنامه ریزی در سطح محلی و توسعه روستایی، ترجمه عباس مخبر، انتشارات سازمان برنامه بودجه، تهران.
- طوسی، محمدعلی (۱۳۷۰)، *مشارکت در مالکیت و مدیریت*، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران.

○ فائو (۱۳۷۶)، رهیافت سازماندهی گروههای مردمی و مشارکت در فرایند توسعه روستایی، ترجمه محمود جمعه پور، ماهنامه جهاد، شماره ۱۹۴، وزارت جهاد سازندگی، تهران.

○ کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، نشرنی، تهران.

○ محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۶۹)، بررسی زمینههای مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی. تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی، تهران.
○ مردوخی، بایزید (۱۳۷۳)، مشارکت مردم در فرایند توسعه و طرحی برای سنجش میزان آن، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۶، مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، تهران.

○ مرکز آمار ایران (۱۳۷۶)، شناسنامه آبادیهای کشور، شهرستان کاشان، انتشارات مرکز آمار ایران، تهران.

○ Chambers, R. (1997) General Interaction Participation of Participatory Research and Development, in, *Power and Participatory Development Theory and Practice*, edited by Nici. N. et al., London : Intermediate Technology Publication.

○ Croft, S. and P. Bresford (1992) The Politics of Participation. *Journal of Critical Social Policy* , Issue, 35, Vol.12, No.2:20-45.

○ Gaotri, H. (1986) Popular Participation in Development, in, *Participation in Development*. Paris: UNESCO.

○ Hall, A. (1988) Community Participation and Development Policy: A Sociological Perspective, in, *Development Policies: Sociological Perspectives*, edited by A. Hall and J. Midgely, Manchester: Manchester University Press.

○ Midgely, J. et al. (1986) *Community Participation, Social Development and the State*. London: Methuen.

○ Oakley, P. et al. (1999) *Protects with People the Practice of Participation in Rural Development*. Geneva: ILO.

- Olsen, E. M. (1972) Social Participation Voting Turnout a Multiple Analysis, *American Sociological Review*, Vol.37. pp. 317-333.
- Parker, R. (1985) Measuring Social Participation. *American Sociological Review*. Vol.84, pp. 864-873.
- Paxton, P. (1999) Is Social Capital Declining in the United States?: A Multiple Indicator Assessment. *American Sociological Journal*. Vol.105, No. 1, pp. 88-127.
- Putnam, R. D. et al. (1992) *Making Democracy Work*. New Jersey: Princeton University Press.
- Rahnama, M. (1993) *People's Self Development*. London: Zed Books.
- Ramella, M. and B. L. Rose (2000) Taking Part in Adolescent Sexual Health Promotion in Peru: Community Participation from a Social Psychological Perspective. *Journal of Community and Applied Social Psychology*, Vol. 10, Issue 4, pp. 271-284.
- Sztompka, P. (1999) *Trust a Sociological Theory*. Cambridge: Cambridge University Press.
- United Nations (1988) *Local Social Development Planning*, Vol. 1, Japan: Nargora.
- Wolf, M. (1983) *Participation the View from above*. Geneva: UNRISD.